

استراتژی آمریکا برای ضعیف نگه داشتن ایران

نوشته دکتر هوشنگ گنجهای

با تغییر ساختار ارتش ایران در اثر وقایع انقلاب در سال ۱۳۵۷ خورشیدی، منطقه خاورمیانه با خلاء بزرگی روبرو شد. از آنجا که هر خلاء به سرعت از سوی دیگر نیروها پر می‌شود، خلاء ایجاد شده در اثر تغییر ساختار ارتش ایران نیز در زمان بسیار کوتاه از سوی قدرت‌های دور و نزدیک پر شد.

برای دستیابی به یک تجزیه و تحلیل درست که بتواند حقایق را به ما بازگو کرده و امکان استنتاج درست از مسایل را به دست دهد، باید رخدادها دستکم از بیست و چند سال پیش مورد بررسی قرار گیرد:

نخستین بار که عواقب حضور ارتش نیرومند ایران در منطقه خاورمیانه و به ویژه در خلیج فارس مورد سؤال قرار گرفت، در اواخر سال ۱۳۵۵ بود. چند ماه پیش از آن که جیمی کارتر به مقام ریاست جمهوری آمریکا برسد، برخی از سناتورهای آمریکایی با فروش تجهیزات نظامی نوین به ایران، مخالفت کردند. ایران در آن زمان، خواستار خرید هفت فروند هواپیمای «آی‌واکس» یا رادارپرنده بود.^(۱)

پس از این واقعه، بحث برسر پی آمدهای نیرومندی روزافزون ارتش ایران در محافل آمریکا، مانند پنتاگون (وزارت دفاع) کنگره، سنا و مطبوعات، بالا گرفت.

پایه این گفتگوها با توجه به بالاگرفتن موجب نارضایتی در میان مردم ایران، جستجوی بهترین راه‌ها برای حفظ منافع و مصالح آمریکا بود. گزینش برسر دو پرسش اساسی دور می‌زد: - آیا باید به درخواست‌های مشتری خوش حسایی مانند ایران، پاسخ مثبت داد.

- یا این‌که به خاطر مصالح و منافع درازمدت آمریکا (به ویژه در دوران ایران بدون شاه)، باید از تسلیح روزافزون ارتش ایران جلوگیری کرده و از منافع فوری به خاطر تضمین منافع درازمدت، چشم پوشید.

روند تبلیغات و سمت‌گیری‌های حکومتگران آمریکا نشان داد که آنان برای یافتن بهانه برای حضور در خلیج فارس و حصول اطمینان از ادامه غارت منابع نفتی منطقه مزبور، نظریه‌ی «حفظ منافع درازمدت» را به مرحله‌ی اجرا گذاردند.

اما، راستی را، سبب این نگرانی‌ها، چه بود؟ پیش از برگزاری انتخاباتی که به پیروزی دموکرات‌ها و برسرکار آمدن جیمی کارتر انجامید، سرویس‌های مخفی آمریکا، کتابی را که در قالب یک داستان تخیلی نگاشته شده بود، وارد بازار کردند. این کتاب، «سقوط ۷۹»، نام داشت.^(۲)

کتاب مزبور از یک نوشتار بسیار شیوا و روان و یک محتوای تخیلی جذاب برخوردار بود. به طوری که خواننده تا آن را به پایان نمی‌برد، از دست فرو نمی‌گذاشت. کتاب مزبور به سرعت

به دیگر زبان‌ها و به ویژه زبان‌های اروپایی برگردانده شد. حتی برخی از مجله‌های آمریکایی و اروپایی، کوتاه شده‌ی آن را به صورت جزوه‌های پیوست با عنوان‌های، هیجان‌انگیز منتشر کردند.^(۳)

گرچه بازی‌گر اصلی کتاب به ظاهر محمدرضا پهلوی و گروهی از وابستگان ویژه او با نام‌های مستعار هستند، اما محتوای اصلی و هدف نهایی کتاب، «ارتش ایران»، است.

هم چنان که گفته شد، کتاب سقوط ۷۹ در سال ۱۹۷۷ منتشر گردید. اما، تقارن شگفت‌آور پیش‌بینی‌های کتاب با تغییر ساختار ارتش ایران در سال ۱۹۷۹، بسیار بحث‌برانگیز و آموزنده است.

آمریکایی‌ها متوجه شده بودند که ارتش ایران در مقیاس منطقه و حتی در سطح جهان بدون در نظر گرفتن توانمندی ابرقدرت‌ها، نیرویی درخور توجه است. گرچه به دلیل استیلای مستشاران آمریکایی به بهانه آموزش، شریان‌های حیاتی ارتش ایران در دست آن‌ها بود، اما هرگاه این ارتش نیرومند در اختیار صاحب اصلی آن، یعنی ملت ایران قرار گیرد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ و چگونه می‌توان بر این ملت، فرمان راند؟

چگونه می‌توان، ادامه غارت منابع نفتی خلیج فارس را برای غرب تضمین کرد؟ چگونه می‌توان از عصیان مردم کرانه‌های

شروع شده است

آدرس دفتر مرکزی: تهران
تقاطع خیابان حافظ و جمهوری اسلامی
روبروی بیمارستان نجمیه
تلفن: ۵ - ۶۷۰۷۰۴۲
دورنویس: ۶۷۱۱۰۴۰

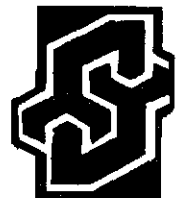
دارای نه‌ایدنگی در ۱۵ نقطه کشور



در ایران نام آسانسور با

دیبا

تولیدکننده انواع آسانسورهای
مسافری، بیماربری، غذابری، خودروبری،
هیدرولیک و پله برقی



جنوبی خلیج فارس که از حکومت شیوخ دست نشانده و امیران سرسپرده به تنگ آمده‌اند، جلوگیری کرد؟

چگونه می‌توان، تجاوز به حقوق مردم و ملت‌های خاورمیانه را ادامه داد و سیادت غرب را بر این منطقه حیاتی جهان تضمین کرد؟ نظام حکومتی آمریکا، کوشید تا با استفاده از این کتاب و تبلیغات مشابه غرب و همسایگان ایران (حتی اتحاد شوروی) را متوجه خطر بالقوه ارتش نیرومند ایران کند.

مسئله‌ای که ذهن طراحان توطئه علیه ارتش ایران را بیش از هر چیز به خود مشغول می‌کرد، پیروزی ارتش مزبور در جنگ ظفار، بود. ارتش ایران، نخستین ارتشی بود که در یک جنگ چریکی به پیروزی قاطع رسیده بود. نبرد ظفار با توجه به شرایط آب و هوایی و نیز موقعیت جغرافیایی و طبیعی منطقه، آزمون بزرگی برای ارتش ایران به شمار می‌رفت.

از زمانی که سرداران «پارت»، شیوهی جدیدی از نبرد، یعنی «جنگ و گریز» را در برابر لژیون‌های رومی در پیش گرفته و در همه‌ی جنگ‌ها پیروز شدند، واژه «پارتی‌زان» و جنگ پارتیزانی برای نبردها و جنگجویان غیرمنظم در جهان مصطلح شد.

چه در گذشته‌های دور و چه در دوران اخیر، ارتش‌های منظم در جنگ‌های چریکی موفق نبوده‌اند. شکست ارتش آلمان در یوگسلاوی در جنگ جهانی دوم و شکست ارتش آمریکا در ویتنام در سال‌های نزدیک، نمونه‌های قابل ذکری هستند. اما پیروزی ارتش ایران در ظفار، بسیاری از نظریه‌های جنگ پارتیزانی را که براساس تجربه‌ی ویتنام برپا گردیده بود درهم ریخت و نشان داد که یک ارتش منظم می‌تواند در یک جنگ چریکی پیروز شود. شاید همین پیروزی بود که آمریکایی‌ها را شگفت زده کرد و نیرومندی واقعی ارتش ایران را دریافتند.

داستان کتاب سقوط ۷۹، از قلم نویسنده‌ای از ساکنان ایالت کالیفرنیا، این گونه آغاز شد: «تصمیم گرفتم آنچه را که در سال ۱۹۷۹ بر جهان گذشت، روی کاغذ بیاورم. در این سال، چنانچه می‌دانیم، دنیا از هم پاشید و هم اکنون با این که باور نمی‌کنم دیگر کسی به این مساله توجهی داشته باشد، اما مطمئن هستم که اهالی کالیفرنیا، به کلی اعتنایی به قضیه ندارند و از این که مانند بسیاری از ابناء بشر باید محکوم به



دولت آمریکا گروگان‌گیری در سفارتش در تهران را بهانه‌ای قرارداد تا حریم هوایی ایران نقض کند. عکس بالا در نخستین روزهای گروگان‌گیری برداشته شده است.

نظامی آمریکا در ریاض پایتخت عربستان با ۱۷ فانتوم عربستان سعودی خود را به «خرمشهر» رسانده و پایگاه هوایی خرمشهر را بمباران می‌کند. در اثر این بمباران سه هواپیمای حامل بمب اتمی نیروی هوایی ایران که در گوشه باند فرودگاه پارک شده بودند، منفجر می‌شوند.

«... بادهایی که از سمت شرق می‌وزید، باعث پراکنده شدن ابرهای رادیواکتیو به شهر آبادان و مناطق نفتی اطراف آن شد و چند ساعت بعد در اثر شدید شدن وزش باد، ذرات رادیواکتیو تا کویت هم کشانده شد...»

بدین سان، با انهدام میدان‌های نفتی خلیج فارس، جهان در تاریکی فرو رفت و عصر تکنولوژی و دنیای «ماشینیسیم» به پایان رسید. در بخش‌های پایانی داستان، نویسنده‌ی کتاب سقوط ۷۹، از تجهیزات ارتش ایران، نام برده و آن را این گونه شرح می‌دهد:

«... زرادخانه ایران در آن هنگام، افزون بر همه‌ی جنگ‌افزارها، بزرگترین ناوگان عملیاتی «هاورکرافت» ساخت بریتانیا، مجموعه‌ی بی‌نظیری از موشک‌های پرهیبت «هاوک» (Hawk) و «فونیکس» (Phoenix) ساخت آمریکا، «راپیر» (ساخت انگلستان) و «کروتال» (ساخت فرانسه) را در اختیار داشت. نفرت

مرگ از گرسنگی و یا یخ‌زدن بر اثر سرما باشند، نگران نیستند. آن‌ها براسب‌های خود سوار می‌شوند و از تاکستان‌ها انگور می‌چینند، به کلیسا می‌روند و به جای فکر کردن پیرامون گذشته، بیشتر وقت خود را به ماهی‌گیری می‌گذرانند، تا در ضمن بتوانند همه چیز را فراموش کنند...»

داستان بدین‌سان به پایان می‌رسد: ارتش ایران با یک حمله‌ی برق‌آسا (۴) عراق را به زانو درآورده و تسخیر می‌کند. پس از عراق، ارتش ایران متوجه کویت می‌شود. در این مرحله، ایرانیان ساکن شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، پرچم ایران را بر فراز همه شیخ‌نشین‌ها به اهتزاز در می‌آورند. بدین‌سان در مدت سه روز، همه حوزه‌های خلیج فارس، غیر از عربستان سعودی، به تسخیر ارتش ایران در می‌آید. (۵)

سرانجام «شاه» به خاطر ایستادگی عربستان سعودی، دستور می‌دهد تا نیروی هوایی ایران از جنگ‌افزارهای هسته‌ای استفاده کند. بدین‌سان مناطق نفتی عربستان بمباران هسته‌ای می‌شوند. پایان داستان به سبک همه فیلم‌های جنگی آمریکایی که «فرد» در آن نقش اساسی و رهایی بخش دارد، ژنرال «فالک» (Falk) وابسته‌ی

ارتش نیز از عده‌ای حدود نیم میلیون نفر (با احتساب افراد ذخیره) تشکیل می‌گردید که به نوبه‌ی خود نیرومندترین و جنگنده‌ترین قوای نظامی خاورمیانه، شمرده می‌شد...» (۶)

برپایه‌ی کتاب مزبور، ستون فقرات ارتش ایران را تا پیش از آغاز عملیات (روز دهم مارس ۱۹۷۹ میلادی) جنگ‌افزارهای زیر تشکیل می‌داد:

۴۸۶ فروند هواپیمای آماده‌ی پرواز به شرح زیر:

- ۸۰ فروند هواپیمای اف - ۱۴، ساخت گرومن (مجهزترین و آخرین نوع جنگنده‌های جهان).

- ۱۷۰ فروند جنگنده‌ی فانتوم اف - ۴، ساخت «مک‌دانیل داگلاس». این جنگنده‌ها که می‌توانستند به جنگ‌افزارهای هسته‌ای مجهز شوند، مناسب‌ترین جنگنده در شرایط گوناگون آب و هوایی به شمار می‌آمدند.

- ۲۲۱ فروند هواپیمای اف - ۵، ساخت «نورتروپ».

در ضمن وجود ۷۳۹ فروند هلیکوپتر از انواع گوناگون، تعداد ۱۶۶۰ تانک (دربرگیرنده‌ی ۸۰۰ تانک چیفتن، ۴۰۰ تانک ام - ۴۷ و ۴۰۰ تانک ام - ۶۰)، ۲۰۰۰ نفربر زرهی (ساخت شوروی)، ۳۹ رزمناو که در میان آن‌ها دو ناو مجهز به موشک‌های «کیتی هاوک» و «کانستیشن»، همراه با ۵ ناوشکن از آخرین ساخته‌های «لیتون اینداستریز»، فهرست زرادخانه‌ی مخوف ایران را تکمیل می‌کرد...» (۷)

افزون برآن چه که در کتاب سقوط ۷۹ آمده بود، ارتش ایران دارای ظرفیت تقریبی زیر بود:

- پرسنل نیروهای مسلح ۵۴۰ - ۵۰۰ هزار تن

- هفت لشکر مستقل پیاده، زرهی و توپخانه
- لشکر تیب‌های مستقل، یگان‌های زرهی، مهندسی، توپخانه و مخابرات گارد

- سه تیب مستقل هواپرد

- تیب‌های مستقل پیاده زاهدان و خرم‌آباد

- یگان‌های نیرومند توپخانه و موشک‌انداز،

مجهز به پیشرفته‌ترین جنگ‌افزارهای مورد استفاده در ارتش‌های نیرومند جهان
- واحدهای هوانیروز (هواپیمایی نیروی زمینی) مستقر در تهران و اصفهان

آمریکا با اجرای چند طرح حساب شده که مهم‌ترین آن‌ها تشویق عراق برای حمله به ایران بود، کوشید ایران را از ایفای نقش واقعی خود در منطقه باز دارد، تا راه برای اجرای مقاصد آمریکاییان هموار شود.

جماهير شوروی نیز بود. رهبران کرملین، سال‌ها با نگرانی شاهد نیروگرفتن ارتش ایران بودند. آمریکایی‌ها، با تائید همراه با خوشحالی روس‌ها، برآن شدند که ارتش ایران را نابود کنند. زیرا نیک می‌دانستند که بدون این ابزار نیرومند، یک حکومت ملت‌گرا، نه تنها نخواهد توانست نقش آزادی‌بخش خود را در سطح منطقه و قاره آسیا ایفا نماید بلکه با برتری نظامی همسایگان، به ناچار به لاک دفاعی فرو خواهد رفت.

در همین شرایط گامی خسران بار از سوی حکومت‌های وقت ایران برداشته شد. در بهترین فرض می‌توان چنین پنداشت که این گام از روی عدم آگاهی، عدم درک منافع و مصالح ملی واقعی برداشته شد.

در آخرین روزهای نظام پیشین، دکتر شاهپور بختیار به نخست‌وزیری رسید. وی به محض دریافت «فرمان» به عنوان نخست‌وزیر ایران اعلام کرد: ایران نمی‌خواهد نقش ژاندارم

- یازده مرکز آموزش

رتبه‌های گوناگون نظامی

- هفت پایگاه هوایی، به

جز مرکز فرماندهی

نیروی هوایی

- مراکز رادار

- هفت پایگاه دریایی، به

جز مرکز فرماندهی

نیروی دریایی

با چنین ظرفیتی،

ارتش ایران پنجمین

ارتش نیرومند جهان به

شمار می‌رفت.

اما مهم‌تر ازوضع

موجود ارتش ایران در

آن سال، برنامه‌هایی بود

که برای افزایش

توانمندی نظامی درنظر

گرفته شده بود.

از این رو

آمریکایی‌ها به این نتیجه

رسیدند که «ارتش»

ایران، باید نابود شود

البته این چیزی بود که

آرزوی قلبی اتحاد

مژده به علاقمندان شماره های قبلی

گزارش

تعدادی از دوره های ماهنامه گزارش صحافی شده با جاد زرکوب آماده توزیع می باشد.

متقاضیان با پرداخت ۴۰ هزار ریال برای هر دوره، در وجه ماهنامه گزارش به حساب جاری ۱۸۸۸/۱۰ بانک صادرات، کد ۷۹۰ تهران و ارسال قبض آن همراه با ذکر دوره های درخواستی و نشانی کامل خود دوره ها را دریافت نمایند.

توجه:

دوره سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم موجود است.

خلیج فارس را بازی کنند. همین موضوع با تغییراتی در جمله‌بندی، از سوی کسانی که در حکومت موقت حضور داشتند نیز تکرار شد و اگر فراموش نکرده باشیم، یکی از خواست‌های تعدادی از گروه‌های سیاسی که بعدها به تدریج حذف شدند (به ویژه نیروهای چریکی و چپ‌گراها) انحلال ارتش بود. آن‌ها حتی با این امر که عوامل وابستگی ارتش حذف شود، و این نیروی قدرتمند به صورت یک نیروی نظامی ملی و مردمی درآید با تمام قوا مخالفت می‌کردند.

به زبان دیپلماسی، اشخاص و جریان‌های مزبور از قدرت‌های دیگر دعوت کردند که جای ایران را به عنوان قدرت برتر در خلیج فارس پرکنند. البته چه در آن زمان و چه اکنون، قدرتی که می‌توانست جایگزین حضور ایران در خلیج فارس گردد، آمریکا بود و هست. بدین سان، نادانسته (در بهترین فرض) از ایفای نقشی که جهان برای ما در خلیج فارس به طور ضمنی به رسمیت شناخته بود، اعلام انصراف کردیم.

پیامدهای بعدی

نخستین حرکت نظامی به دلیل خلاء ایجاد شده در اثر تزلزل ارتش نیرومند ایران در منطقه، حرکت ارتش سرخ به درون افغانستان بود. روس‌ها پس از آن که تلاش‌هایشان در سال ۱۳۲۵ برای تجزیه آذربایجان از ایران با شکست روبرو شد، کوشش دیگری برای حرکت به سوی جنوب به عمل نیاورده بودند. روسیان پس از آن که در اثر تحمیل قرارداد آخال (۸) به ایران توانستند خود را به کناره رود آمودریا برسانند، نزدیک به ۹۸ سال بود که حرکت نظامی در این منطقه انجام نداده بودند. اما، نبود ارتش نیرومند ایران، روس‌ها را برای رسیدن به آب‌های گرم و نزدیک‌تر شدن به نفت خلیج فارس وسوسه کرد. گرچه روسیان نتوانستند به هدف خود برسند و شاید شکست در افغانستان، فروپاشی اتحاد شوروی را تسریع کرد، اما آن سخن دیگری است که نیازمند بحث دیگری می‌باشد.

دومین حرکت نظامی به دلیل خلاء ایجاد شده در اثر عدم ارتش نیرومند ایران، تهاجم آمریکا زیرپوشش نجات گروگان‌ها بود. دولت ایالات متحده، به خود جرات داد که به بهانه

نشان ندادن واکنش قاطع در مواردی چون اصابت موشک‌های آمریکایی به خاک ایران دولتمردان این کشور را برای اجرای نیات توسعه طلبانه‌شان جری می‌سازد.

و پدافندی منطقه‌ی خاورمیانه بود که راه را برای تهاجم سراسری عراق در سال ۵۹ هموار کرد.

چهارمین حرکت، تشویق حکومت خودکامه‌ی عراق به پورش علیه ایران، بود. آمریکایی‌ها با نشان دادن نارضایتی نسبت به عملکرد رژیم انقلابی ایران، به حاکمان بغداد فهماندند که در صورت ایجاد مناقشه‌ای میان عراق و ایران، دولت ایالات متحده آمریکا از ایران جانبداری نخواهد کرد. باید توجه داشت که هنوز آن زمان اتحاد جماهیر شوروی با همه‌ی قدرت به عنوان ابرقدرت رقیب آمریکا پابرجا بود و حکومت عراق جزء اقطار روسیه به شمار می‌رفت. گرچه ایران ارتباط‌های خود را با آمریکا بریده بود، اما این بخش از جهان به طور سنتی درحوزه نفوذ غرب قرار داشت. بنابراین می‌بایست اشاره آمریکا به حکومت عراق از چنان روشنی برخوردار می‌بود، که ابرقدرت شوروی و در نتیجه حکومت بغداد، بیم حيله و نیرنگ را به دل راه نمی‌دادند.

آمریکایی‌ها برای تضعیف هرچه بیشتر ایران و ارتش ایران، جنگ فرسایشی را بر ایران تحمیل کرده و در مدت هشت سال، بنیه‌ی ایران و در نتیجه ارتش ایران را به طور کامل تحلیل بردند.

آمریکا در اثر اعلام این موضوع که ایران خود را «ژاندارم خلیج فارس» نمی‌داند و نیز جنگ میان عراق و ایران، به صورت گسترده‌ای در خلیج فارس مستقر گردید. بدین سان، دست حکومت مزبور برای تحمیل حاکمیت محدود بر منطقه خاورمیانه و به ویژه ایران، بازتر از همیشه بود. دولت آمریکا در دوران جنگ ایران و عراق، برای تحمیل این سیاست به ایران، چندین بار به طور مستقیم سرزمین ایران را مورد تهاجم قرار داد و سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس را منهدم کرد. عدم تمایل به واکنش لازم و یا عدم توان برای نشان دادن واکنش؛ یا توجه به انزوای سیاسی ایران در جهان، پی آمدهای دردناکی را برای ملت ایران در برداشت و خواهد داشت.

گام بعدی آمریکایی‌ها در راستای تحمیل سیاست حاکمیت محدود بر ایران، هدف قراردادن هواپیمای مسافربری ایران بر فراز خلیج فارس بود. در این مورد نیز دولت واکنش لازم را از خود نشان نداد و تنها به گفتارها و

نجات اعضای سفارت کشور مزبور که در اشغال سفارت آمریکا به گروگان گرفته شده بودند، از راه هوا در فرودگاه عملیاتی طیس در قلب استان خراسان مستقر گردد. هواپیماها و هلی‌کوپترهای ارتش آمریکا که از پایگاه‌های مصر و عربستان سعودی به پرواز درآمده بودند، بیش از هزار کیلومتر بر فراز خاک ایران پرواز کردند، بدون این که نیروی هوایی ایران بتواند هیچ‌گونه واکنشی از خود نشان دهد.

مهم‌تر آن که با گروگانگیری در سفارت آمریکا در تهران، آمریکا بهانه‌ی لازم را برای نقض حریم هوایی ایران به دست آورد و حتی به خود اجازه داد که در خاک ایران مستقر گردد. چگونه عملیات با شکست روبرو شد، مساله دیگری است. اما، آمریکا توانست به یک ارزیابی از وضعیت جدید ارتش ایران دست یابد.

سومین رویداد را در این راستا در قالب کودتای نوژه شاهد بودیم. نتیجه این رویداد که از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی حکومت عراق با راهبرد و «داده»‌های سازمان اطلاعاتی آمریکا اجرا شد وارد آمدن ضربه‌های هولناکی بر بیکر نیروی هوایی، نیروهای ویژه و نیز لشکر ۹۲ زرهی اهواز به عنوان رزمنده‌ترین یگان آفندی

تبلیغاتی که در نهایت می‌توانست مصرف داخلی داشته باشد، بسنده کرد.

بدین سان، با وجودی که هرازچندی نیروی دریایی ارتش و سپاه و یا هرکدام به طور جداگانه، در کرانه‌های ایران در خلیج فارس دست به مانور می‌زنند، اما با عدم واکنش برابر سرنگون شدن هواپیمای مسافربری ایران از سوی ناوگان آمریکایی مستقر در خلیج فارس، به حضور ایران در این دریای همیشه ایرانی، لطمه‌ی اساسی وارد شد.

گام دیگر آمریکا که آن هم با واکنش شایسته و بایسته وزارت امور خارجه روبرو نشد اصابت چند موشک آمریکا در جریان و بعد از دومین یورش گسترده‌ی دولت مزبور به عراق، در راستای تحمیل سیاست حاکمیت محدود قرارداد. گفته‌های برخی از مقامات کشور که تنها و تنها برای مصرف داخلی و اسقاط تکلیف به زبان آورده شد، به عنوان گفته مقام‌های رسمی برای کشور سخت زبان‌بار و مخاطره‌انگیز

است.

عدم درک زبان دیپلماسی جهانی، کوتاهی در نشان دادن واکنش، عدم درک مصالح و منافع می‌تواند به عواقب ناخوشایندی منتهی گردد.

موشک‌های آمریکایی چه به عمد، و یا بر اثر نقص فنی بر خاک ایران فرود آمده باشد، ما باید واکنشی قاطع نشان دهیم. هرگونه سیاست محافظه‌کارانه در این مورد باعث تجری دولت آمریکا خواهد شد، و ای بسا حتی به این اندیشه سودایی بیفتند که همانگونه که برای عراق مناطق ممنوعه پروازی ایجاد کرده، حقوق مسلم ما در حریم‌های زمینی، دریایی و هوایی کشور را با محدودیت‌ها و کارشکنی‌هایی مواجه سازد.



بی‌نوشت‌ها:

۱- چهار سال و نیم پس از مخالفت با فروش این هواپیماها به ایران، تعدادی از آن‌ها به عربستان سعودی فروخته شد. شرط

فروش هواپیماهای مزبور این بود که زیر نظر مستقیم آمریکایی‌ها و وسیله‌ی خدمه‌ی آمریکایی به کار گرفته شوند.

۲- سقوط ۷۹ (Crash of 79) نوشته پل ارومان - ترجمه دکتر ابوترابیان - چاپ دوم - دی ماه ۱۳۵۷
این کتاب در سال ۱۹۷۷ نوشته شده بود، اما ورود نسخه‌های آن به ایران قدغن بود. تنها در اثر اوج‌گیری حرکت انقلابی در ایران، چاپ آن امکان‌پذیر گردید.

۳- از آن جمله مجله معروف اشپیگل چاپ آلمان، کوتاه شده‌ی رمان مزبور را با عنوان ایرانی‌های آینده، بیوست مجله کرد.

۴- اصطلاح حمله برق آسا، ترجمه واژه آلمانی Biltz Krieg است که امروزه در فرهنگ نظامی واژه‌ی شناخته شده‌ای است.

۵- شاید به خاطر وسوسه این کتاب بود که چند سال بعد، صدام حسین تکریتی، جنگ خلیج فارس را با یورش نظامی برکویت و با هدف اشغال عربستان سعودی و سرناسر کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، آغاز کرد.

۶- سقوط ۷۹، پل ارومان، ترجمه دکتر ابوترابیان، قطع جیبی، ص ۴۰۷

۷- همان جا، ص ۴۰۸

۸- قرارداد آخال که منجر به جدایی سرزمین‌های خوارزم و فرارود از ایران شد در روز ۱۸ آذرماه، ۱۲۶۰ خورشیدی در تهران میان وزیر خارجه ایران (سعیدخان مؤمن‌الملک) و وزیر مختار روس (ایوان زینوویف) امضاء شد.



شرکت ماشین‌سازی

خاورپرس

(سهامی خاص)

تولید کننده پرده‌های مکالمکی و هیدرولیکی

دفتر مرکزی: تهران، خیابان دماوند، شماره ۹۲۵

تلفن: ۷۴۱۲۴۴۷-۷۴۱۰۰۵۹ فاکس: ۷۴۱۳۱۰۴

کارخانه: کیلومتر ۲۰ جاده خاوران، تلفن: ۲۲۰۴۳-۰۲۹۱۳۰

